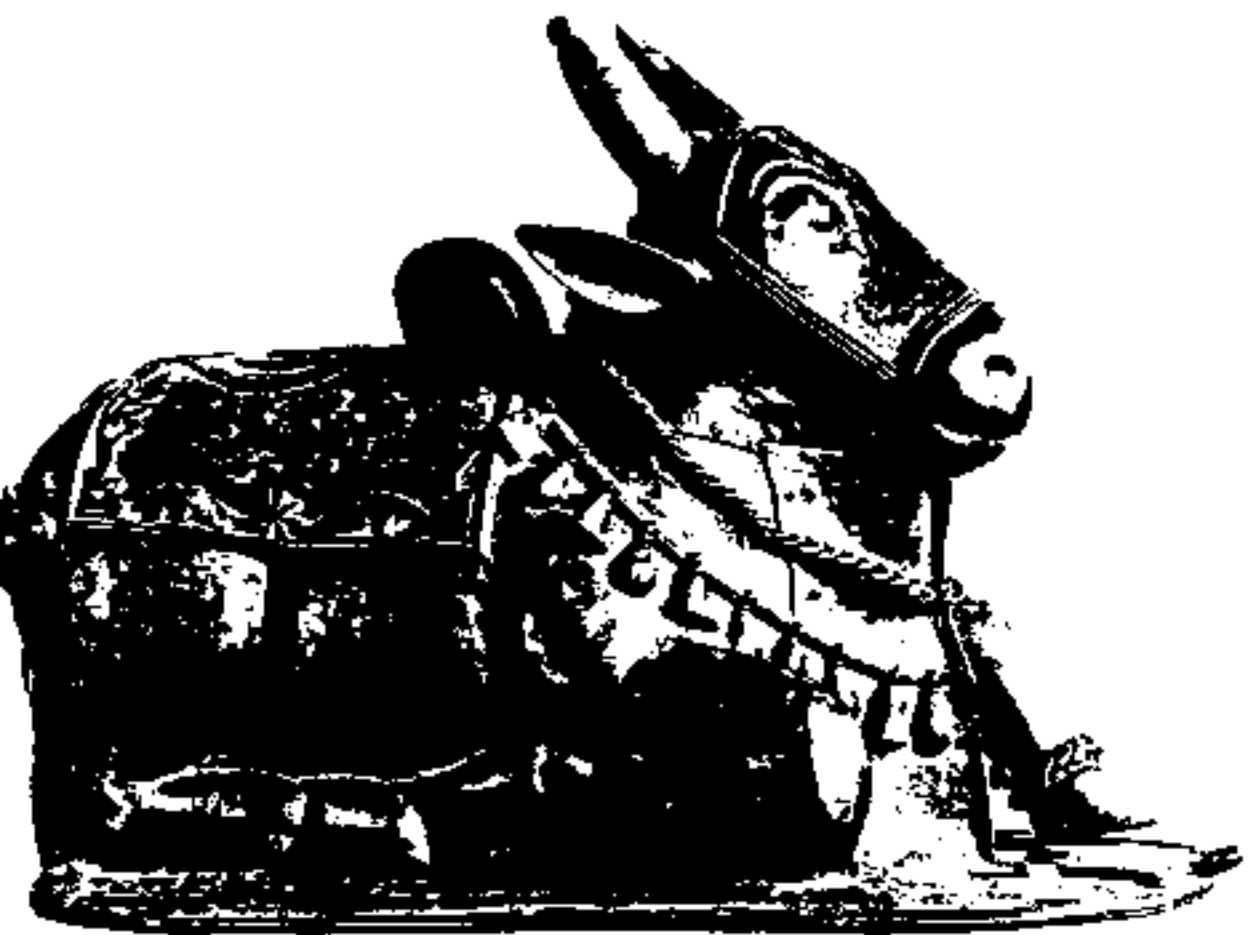


نظرهای علمی درباره « دین »

پیدایش و تکامل دین



لوس آنجلس ، ۱۹۸۸

از : دکتر احمد الیرینی

پیش‌گفتار

پدیدهٔ دین از نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان یکی از جالب‌ترین پدیده‌های اجتماعی - انسانی به‌شمار می‌رود، علاقه به بررسی علمی و پژوهش دربارهٔ دین‌ها و مذاهب‌ها در قرن نوزدهم و به‌ویژه در قرن بیستم گسترش بسیار یافت و دانشمندان رشته‌های گوناگون نتیجه‌های کار خود را به صورت مقاله و کتاب انتشار دادند، در همین قرن‌ها بود که دانش‌های تازه‌ای به نام "دین‌شناسی علمی" و "دین‌شناسی تطبیقی" یا مقایسه‌ای پدید آمدند. جامعه‌شناسان از این نظر به بررسی در مورد دین و مذهب پرداختند که آن را "پدیدهٔ اجتماعی" می‌دانند. از آنجا که موضوع مورد بررسی در علم "مردم‌شناسی" (آنتروپولوژی) مطالعهٔ افکار، اندیشه‌ها و دیگر گونی‌های فرهنگی انسان از دوران‌های پیش از تاریخ تا انسان امروزی است مردم‌شناسان نیز به پژوهش دربارهٔ دین و مذهب پرداختند. دانش دیگری که به بررسی در مورد دین سخت علاقه‌مند است روان‌شناسی است. روان‌شناسی به بررسی و پژوهش پندار و رفتار انسان می‌پردازد و از این نظر بررسی‌های مربوط به اندیشه‌ها و آیین‌های دینی و مذاهب در آن دارای اهمیت ویژه‌ای است.

در دنیاى امروز ما، در بیشتر کشورها و جامعه‌های جهان - جز در سرزمین‌های سوسیالیستی - دین و مذهب یکی از نیرومندترین و نمایان‌ترین پدیده‌های اجتماعی - سیاسی بشمار می‌رود. با وجود این که در چند قرن گذشته علم و دانش با گام‌های غول‌آسایی به پیش رفته‌اند و اشتباه بودن بسیاری از اندیشه‌های دینی ثابت شده است اما هنوز هم در بسیاری از جامعه‌های جهان - حتی در کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی - هواداران دین و مذهب بسیار

نیرومندان و رهبران مذهبی در این سرزمین ها قدرت فراوان دارند.

در کشور ما ایران نیز در بیشتر دوران تاریخ طولانی آن، دین و مذهب پدیده بسیار نیرومندی بوده و رهبران مذهبی از قدرت فراوان اجتماعی - سیاسی بهره مند بوده اند. در برخی از دوران های تاریخ ایران قدرت رهبران روحانی از حاکمان و فرمان روایان بیشتر بوده و برای نمونه در دوران صفویان و قاجاریان "ملایان" بزرگترین نیروی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور بوده اند. پس از آن که انقلاب مردم ایران به شدت دچار آفت "آخوندزدگی" شد گروه هایی در لباس "روحانی" و به اسم دین و مذهب رفته رفته به بزرگترین و سپس به تنهایی نیروی سیاسی - اجتماعی کشور تبدیل شدند و این آفت زدگی که نوعی "سرطان ملی" است هنوز هم ادامه دارد. جنایت ها، آدم کشی ها و ستم گیری های بی شمار گروهی که خود را "روحانی" می نامند و به نام دین و مذهب در کشور ما حکومت میکنند سبب شده است تا بسیاری از هم میهنان ما نسبت به پدیده "دین"، سخت بدگمان و بدبین شوند و گرایش های روی گردانی از دین و مذهب در آنان نمایان شود. اما گروه های بسیار دیگری از مردم ما می گویند این جنایت کاران، "روحانی نمایان" بیش نیستند و دین برای راهنمایی و خوشبختی انسان بر روی کره زمین آمده است نه برای کشت و کشتار مردم به دست یکدیگر. ایرانیان هوادار دین و مذهب از "اسلام راستین" سخن می گویند و کبش و آیین روحانیان حاکم بر ایران را "اسلام دروغین" می نامند. آنچه بدون تردید و با اطمینان بسیار می توان گفت این است که میزان آگاهی ها و معلومات علمی توده های مردم ایران و حتی درس خوانده های میهن ما در مورد پدیده "دین و مذهب بسیار کم

است. حتی شاید بسیاری از دانشگاه رفته‌های ایران نام رشته‌های علمی چون "دین‌شناسی" و "دین‌شناسی تطبیقی" را نرسن شنیده‌اند. میزان اطلاعات بسیاری از ایرانیان از حدود درس "قرآن و شرعیات" که در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در سطحی بسیار خنده‌آور درس داده می‌شد بالاتر نرفته است.

هدف از این نوشتار هوادارای از یک دین یا مخالفت با گش و آیین دیگر نیست. بلکه کوشش خواهد شد تا به خلاصه‌تسربین شیوه‌ای پدیده "دین" با استفاده از روش‌های علمی فقط به عنوان یک "پدیده" مورد گفتگو واقع شود. در مورد دین و مذهب، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیار نوشته شده که علاقه‌مندان برای آگاهی‌های بیشتر و ژرف‌تر می‌توانند به آنها مراجعه کنند.

دین چیست؟

تعریف واژه "دین" و این که بگوییم دین چیست بسیار دشوار است. دلیل دشواری تعریف "پدیده دین" وجود دین‌های بسیار گوناگون و تفاوت‌های ژرف و گسترده در اندیشه‌ها و باورداشت‌های دینی است.

برخی از پژوهشگران و فیلسوفان که گرایش‌های مذهبی داشته‌اند دین را "پدیده‌ای آسمانی" تعریف کرده‌اند که از سوی خدا وحی یا الهام شده است. این تعریف علمی نیست و نارسانای آن زمانی آشکار می‌شود که برخی از دین‌های بزرگ و جهانگیر خستود را پدیده‌ای آسمانی نمی‌دانند و به وجود خدا اعتقادی ندارند. برای نمونه، دین‌های بزرگی چون "بوداگرایی"، "هندوگرایی" و "کنفوسیوس‌گرایی" خود را دین‌های زمینی یا ایمن

جهانی می‌دانند. در این دین‌ها از "خدا" نام و نشانی نیست و گفنگویی از "وحی" و "الهام" به میان نیامده است. یکی دیگر از دلیل‌های دشواری‌های تعریف کامل در این نکته خلاصه می‌شود که دانشمندان رشته‌های گوناگون دین‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین را با توجه به رشته علمی ویژه، خود تعریف می‌کنند و در تعریف آنان با زتاب برداشت‌های شخصی و فردی نیز دیده می‌شود. برای نمونه، "الاهیون" (تئولوژیست‌ها) دین را "علوم الهی" می‌نامند که از سوی آفریننده، جهان به پیامبران الهام شده است، در حالی که برخی از فیلسوفان و به ویژه اندیشمندان ماده‌گرا، دین را تا حد "مجموعه‌ای از اندیشه‌های خرافی و نظریه‌های بی‌اساس" پایین می‌آورند.

برخی از جامعه‌شناسان دین را "جلوه بزرگ ارزش‌های انسانی" اعلام می‌کنند و در برابر آنها "فروید" روان‌کاو بزرگ‌انریشی می‌گوید "دین نوعی بیماری روانی در سطح جهانی است." رهبران و پیروان سهدین "تک‌خدایی" - یهودیت، مسیحیت و اسلام - پدیده، دین را بزرگ‌ترین عامل پیشرفت نوع بشر خوانده‌اند و در برابر فیلسوفانی هم هستند که آن را "ترمز تمدن" یا چون "مارکس" فیلسوف آلمانی دین را "ترساک توده‌ها" نامیده‌اند.

بنابراین به دست دادن تعریف جامع و کاملی از دین که مورد پذیرش کارشناسان رشته‌های گوناگون علمی از یک سو و مورد قبول هواداران دین‌های گوناگون باشد بسیار دشوار و شاید هم چنین تعریفی دست‌نیافتنی باشد.

با تمام این‌ها در هشت دین بزرگ جهان - یهودیت، هندوگرایی، بوداگرایی، شینتوگرایی، کنفوسیوس‌گرایی،

تا شوگرایی، مسیحیت و اسلام - جلوه‌ها و اندیشه‌های وجود دارند که شبیه یکدیگرند. در تمام این دین‌های هشت‌گانه بزرگ - با شدت بیشتر یا کمتر - اعتقاد به "نیروی مرموز" جهان غیب" و مانند آنها وجود دارد.

اندیشه‌های مربوط به وجود "روح" بعدها از دیگرگون شدن و تکامل همین "نیروی مرموز" یا "جهان غیب" بدین‌آمد. علاوه بر وجود این اندیشه، همگانی، در دین‌های هشت‌گانه و بزرگ جهان، پدیده "تنبیض" انجام دادن یک رشته، اعمال گوناگون دیده می‌شود. از تکامل و دیگرگونی این پدیده نرسد از گذشت هزاران سال - آداب و مراسم بسیار مفصل و پیچیده دینی و مذهبی بدین‌آمد.

پیدایش دین

قرن نوزدهم میلادی را باید "قرن پژوهش درباره دین" نامید. از آغاز همین قرن است که دانشمندان رشته‌های گوناگون علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به بررسی‌های ژرف درباره چگونگی پیدایش دین در دوران پیش از تاریخ بشر و نقش دین در زندگی انسان پرداختند. دانشمندان دانش‌خواسته مردم شناسی نیز به پژوهش درباره طسرسز زندگی، اندیشه‌ها و فرهنگ قبیله‌های بدوی در نقاط دور از تمدن کره زمین پرداختند و یافته‌های چگونگی پیدایش و تکامل دین و مذهب روشن شد. دانشمند آلمانی به نام "ماکس مولر" که از او به نام بنیادگذار "دین‌شناسی مقایسه‌ای" یاد می‌شود به بررسی‌های ژرف در مورد چگونگی پیدایش نخستین اندیشه‌های دینی بشر پرداخت و وی گفت اندیشه‌های دینی در نوع انسان با

برداشت‌ها و تصوره‌های انسان‌های پیش از تاریخ درباره طبیعت و نیروهای طبیعی آغاز می‌شود. "مولر" گفت انسان‌های پیش از تاریخ و آدم‌های قبیله‌های نیمه وحشی که هم‌اکنون در برخی از سرزمین‌ها زندگی می‌کنند به نیروهایی که در طبیعت وجود دارند "شخصیت" می‌دهند. برای نمونه برای پدیده‌هایی در طبیعت چون کوه، آسمان و دریا نیروهای مرموزی در نظر می‌گیرند و آنها را صاحب قدرت‌هایی برتر از انسان می‌دانند، وی افزود نخستین بشرهایی که بر روی کره زمین نمایان شدند از این نیروها به شدت حساب می‌بردند و به پرستش آنان پرداختند. "مولر" می‌گوید اعتقاد به وجود "روح" و این که مردگان به صورت روح به زندگی ادامه می‌دهند یکی از باستانی‌ترین و کهن‌ترین باورداشت‌های انسان به شمار می‌رود. "هرسرت-اسینسر" فیلسوف انگلیسی می‌گوید آغاز اندیشه‌های دینی و تولد دین را باید در موضوع خواب دیدن یا "رویا" جستجو کرد. "نیاپرستی" یا پرستیدن روح اجداد یکی از کهن‌ترین باورداشت‌های دینی است. این فیلسوف می‌افزاید بشرهای پیش از تاریخ از آغاز که مردگان خود را به خواب می‌دیدند طبیعی است به این نتیجه رسیدند که مردگان هنوز به نوعی دیگر به زندگی ادامه می‌دهند و گریه به‌ظواهرناپدید شده‌اند اما وجود دارند و در رویا-های آنان ظاهر می‌شوند.

ریشه اعتقاد به باقی ماندن روح پس از مرگ را در رویاهای انسان‌های پیش از تاریخ باید جستجو کرد. نخستین موجوداتی که بشر اولیه به پرستش آنها پرداخت همین "روح مردگان" بدان، مادران و بزرگان قوم و قبیله بودند. "اسینسر" پایه نظریات مربوط به "نیاپرستی" یا پرستش نیاگان را بر افسانه‌ها و داستان‌های یونان و روم باستان می‌گذارد. و از

اسطوره‌ها یا افسانه‌های کهن "عبریان" یا یهودیان باستان نیز استفاده کرده است. این فیلسوف می‌گوید انسان‌های پیش از تاریخ نه تنها به ارواح مردگان خود احترام می‌گذاشتند بلکه به شدت از آنها می‌ترسیدند. وی ترس و وحشت را یکی از پایه‌های اساسی بسیاری از دین‌ها و مذاهب می‌داند. "ادوارد تایلور" مردم‌شناس انگلیسی نیز می‌گوید اجداد باستانی بشر و انسان‌های نیمه وحشی امروز نمونه تنها برای جانداران اعتقادیه روح دارند بلکه سنگ، کوه، دریا و بیابان را نیز دارای "روح" می‌شمارند. این دانشمند نیز به این نتیجه رسیده است که رجنمه اعتقاد به وجود روح را در خواب‌ها یا رویاهای انسان پیش از تاریخ باید جستجو کرد.

با پدید آمدن آورشده که تعریف واژه "دین" از این نظر بسیار دشوار است که اگر آن را "پدیده‌ای آسمانی" بنا می‌دین‌های بزرگی وجود دارند که به هیچ روی خود را آسمانی یا آن جهانی نمی‌دانند. واگردین را پدیده‌ای اجتماعی-انسانی بشناسیم دین‌های بزرگ تک‌خدایی خود را آسمانی یا الهی خوانده‌اند و خاستگاه دین را "عالم غیب" می‌دانند. از سوی دیگر گوناگونی اندیشه‌های دینی به اندازه‌ای است که به دست دادن تعریفی روشن را بسیار دشوار می‌کند. با تمام این‌ها، بسیاری از دانشمندان رشته‌های گوناگون مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دین‌شناسی دین را پدیده‌ای اجتماعی-انسانی تعریف کرده‌اند که در آغاز، اندیشه‌ها و افکاری ساده و ابتدایی بوده و پس از گذشت هزاران سال به ما نند سایر پدیده‌های اجتماعی-انسانی دیگرگون شده و راه تکامل خود را پیموده است.

ریشه اندیشه‌های دینی

بررسی‌های علمی و مطالعه‌های مردم‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نشان داده‌اند که شیوه زندگی و طرز فکر انسان‌های پیش از تاریخ از بسیاری جهت‌ها نظیر شیوه زندگی و اندیشه‌های مردم قبیله‌های نیمه وحشی کنونی بوده است. در واقع می‌توان مردم قبیله‌های نیمه وحشی امروزی را "انسان‌های زنده" پیش از تاریخ نامید. پژوهش‌های علمی ثابت کرده‌اند که در مورد این انسان‌ها، نخستین اندیشه‌هایی که می‌توان آنها را اندیشه‌های دینی نامید باریشه عاطفی - احساسی دارند و پسا سرچشمه فکری - برداشتی.

"ویلهم ووندت" روان‌شناس مشهور آلمانی می‌گوید ریشه اندیشه‌های دینی را باید در ترس و وحشت جستجو کرد. وی می‌افزاید سرچشمه بسیاری از آیین‌ها و رسم‌های دینی در نخستین انسان‌های پیش از تاریخ و همچنین در مورد آدم‌های قبیله‌های ابتدایی امروزی، غلبه بر ترس و درخواست مهربانی از نیروهای مرموز طبیعت است. یکی دیگر از روان‌شناسان به نام "مارت" نیز ریشه اندیشه‌ها و افکار دینی را عواطف و احساس‌های گوناگون بشر اولیه و به ویژه احساس ترس و وحشت می‌داند. بسیاری از روان‌شناسان می‌گویند که در طبیعت پدیده‌های ترسناکی چون آتش‌فشان، رعد و برق، توفان، سماری و مرگ سبب ترس و وحشت نخستین انسان‌ها را فراهم می‌آورده و اولین اندیشه‌های دینی برای غلبه بر این ترس‌ها و نخستین افکار دینی برای چاره‌جویی در برابر این پدیده‌های طبیعی به وجود آمده‌اند.

یکی از بزرگترین دین‌شناسان جهان به نام "جیمز فریزر"

می‌گوید نخستین بنیادگزاران اندیشه‌ها با آوردن آداب دینی در دوران زندگی اولین انسان‌های پیش از تاریخ، گروهی از این انسان‌ها بودند که می‌توانیم آنان را "جادوگران" یا "ساحران" دوران خودینا نامیم. این جادوگران و ساحران نه تنها پدیده‌های ترسناک و وحشت‌آوری را که موجب بیم و هراس مردم می‌شدند می‌شناختند بلکه ادعا می‌کردند که شیوهٔ جلب محبت و آرام‌سازی پدیده‌های ترسناک را نیز می‌دانند. این دین‌شناس می‌گوید در زمان‌های بسیار دراز در دوران پیش از تاریخ دین و جادوگری و آنچه سحر و افسون نامیده می‌شود با هم یکی بوده و جدایی ناپذیر بوده‌اند. دوران‌های پیش از تاریخ بشر و در میان قبایله‌های ابتدایی و نیمه‌وحشی امروزی، دین به معنای امروزی خود وجود نداشته و ندارد. روحانیان دوران‌های پیش از تاریخ بیشتر "ساحر"، "جادوگر"، "افسونگر" و "طلسم‌بند" بوده‌اند تا به معنای "روحانی" که بعدها شناخته شد. این جادوگران حتی "حکیم" یا "طیب" جامعه خود بوده و می‌کوشیدند تا با خواندن وردها و چرخ زدن به دور بیمار، او را درمان کنند. بعد از گذشت قرن‌ها، از تکامل و دگرگونی طبقه "ساحر" یا "افسون‌گر" نخستین "روحانیان" دوران باستان در بیشتر کشورهای جهان پدید آمدند.

دین‌شناسان می‌گویند در بسیاری از سرزمین‌های جهان در دوران باستان، نگاهی‌تان دین مردانی دارند. قدرت‌های غیرطبیعی و فوق‌انسانی در نظر گرفته می‌شوند. این نگاهی‌تان دینی - از نظر مردم - با عالم غیب و دنیای ارواح ارتباط داشتند و برای نمونه می‌توانستند توفان یا آتش‌فشان را آرام کنند یا بیماری را که در حال جان دادن بود شفا دهند. به همین دلیل بسیاری از مردم در زمان پیدایش پیام آوران بزرگ از

آنان توقع اعجاز یا انتظارنمایش "معجزه" داشتند، زیرا می‌پنداشتند که بزرگان دینی با نیروهای فوق بشری داشته باشند. برای نمونه، مسلمانان نیز بزرگان دین زرتشت را "محبوس" می‌نامیدند و آنان را "ساحر" و "جادوگر" می‌دانستند. "ویلیام جیمز" روان‌شناس بزرگ آمریکایی نیز خاستگاه اندیشه‌های دینی را اعتقاد به وجود نیروهای مرموز یا "غیبی" در طبیعت می‌داند. این روان‌شناس می‌گوید از دیدگاه نخستین انسان‌های پیش از تاریخ و از نظر مردم قبیله‌های غیر متمدن، این نیروهای مرموز و غیبی بر زندگی و سرنوشت انسان‌ها اثر می‌گذارند و قدرت یا توانایی آنها "قدرتی فوق بشر" است. بسیاری از روان‌شناسان، دین را نوعی "نیاز روانی" انسان‌های اولیه می‌دانند. ریشه این نیاز روانی برای فرار از ترس و وحشت و هدف آن جستجوی "بنادگاه" و "پشتیبان" است.

یکی از بنیادگذاران علم جامعه‌شناسی امروز به نام "امیل دورکهایم" می‌گوید دین پدیده‌ای است جهانی. این پدیده فرهنگی در تمام جامعه‌های بشر پدید آمده و پس از گذشت هر ارباب سال به شکل‌های گوناگونی در سراسر جهان تکامل یافته است. از آن زمان که نخستین گروه‌های انسان، نخستین جامعه "خود را پدید آوردند به این نتیجه رسیدند که در بیرون از جامعه آن نیروهایی وجود دارند که بر جامعه آن حکم روایی می‌کنند. میزان توانایی این نیروها آن چنان زیاد است که باید از آنان اطاعت کرد و به هر ترتیب که شده دلشان را به دست آورد تا با افراد جامعه مهربان باشند.

"زیگموند فروید" روان‌کار و اتریشی نوز چشمه پیدایش پدیده دین را بنا زهای روانی عاطفی می‌داند. وی می‌گوید

ازمانی که کودک به وجود پدر و مادر خود پی می برد برای ادامه زندگی خود را بنا زمند مهر و محبت و پشتیبانی آنان می بیند. در نظر کودک، پدرش نیرومندترین عامل جلوه می کند و در برابر او خود را کوچک، درمانده و ناچیز می داند. بعدها که کودک به جوان و جوان تبدیل می شود قدرت ها و توانایی های پدر را به نام "خدا" انتقال می دهد و در برابر این "قدرت عظیم خود را کوچک، درمانده و ناچیز می بیند.

"خدایان" پیش از تاریخ

برخی از مردم شناسان و دین شناسان، قدمت یا کهنگی اندیشه ها و باورداشتهای دینی را بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار سال پیش می دانند. این دانشمندان می گویند از زمانی که بشر به اندیشیدن درباره خود و محیط زندگیش پرداخته اند اندیشه های دینی نیز آغاز شد. پدیده هایی چون تولد، بیماری، مرگ، توفان، باران، آتش فشان و صدها پدیده طبیعی دیگر انسان های پیش از تاریخ را به اندیشیدن واداشت و "برداشتهای" او از این پدیده ها افکار دینی را پدید آورد. نخستین انسان های کره زمین در هر سرزمینی که زندگی می کردند به زودی دریافته اند که "همه چیز بروفق مراد نیست". توفان و باد شدید زندگی شان را درهم می کوبد، باران تند و سسل آسا همه چیز را با خود می برد، جانوران وحشی و نیرومندتر آنان را می درند، بیماری و گرسنگی به گورشان می سیارد، مردگان آنان را رها نمی کنند و به خواشان می آیند، و گرچه در مجموع می توانند به زندگی ادامه دهند اما "نیروهای خطرناک" چنگ و دندان نشان می دهند و باید چاره ای اندیشید.

بررسی‌های علمی دربارۀ وراثت‌های انسان‌های پیش‌ازتاریخ و همچنین در اندیشه‌های آدم‌های نیمه‌وحشی امروز نشان دادند اندک اعتقاد به وجود "نیروهای مرموز" و "قدرت‌های ناپیدا" در طبیعت و در محیط زندگی انسان به‌آسانی درمنزبش رجا گرفت. در بیشتر جا معه‌های امروز جهان، بررسی و مطالعه در افسانه‌های پیش‌ازتاریخ کشورهای گوناگون و پژوهش در مورد اسطوره‌ها (میتولوژی) ثابت می‌کند که مردم این سرزمین‌ها به وجود خدایان اعتقاد داشته‌اند. این خدایان مظهریاً نماد پدیده‌های طبیعی و جلوه‌های گوناگون بوده‌اند. برخی از خدایان، مورد و برخی از آنان زن (الاهه)، گروهی حیوان مانند و برخی دیگر انسان مانند بوده‌اند. برای نمونه، در اسطوره‌های یونانی بیش‌ازدوازده خدا وجود دارد. این خدایان با وجود نیروی بسیار گاهی دارای ضعف‌ها و زبونی‌های انسان مانند نیز بوده‌اند. گاهی به شدت حسادت می‌کرده و زمانی نیز دچار درد و بدبختی می‌شده‌اند. این خدایان ازدواج می‌کرده و صاحب فرزند نیز می‌شده‌اند. برای نمونه، "زئوس" یا "خدای خدایان" زن می‌کرد و صاحب پسری به نام "آیولو" می‌شود. "آفرودیته" الاهه عشق بوده و "آرس" خدای جنگ و کشتار، "آرتمیس" الاهه شکار بوده و "دیونیس" خدای شراب.

سومریان و بابلیان که دینشان منقرض شده خدایان آسمان، خورشید، زمین، رستنی‌ها، رود، ماه، بیل، و مانند آنها داشتند. مصریان خدایان حیوان مانند و انسان وارداشته‌اند. "تات" که پرنده مسمون مانند بود "خدای دانایی" و "بس" با شیر کوتوله "خدای شادی" بوده است. تعداد خدایان در دین‌های گوناگون مردمان پیش‌ازتاریخ و دوران‌های باستانی بسیار

زیاد است. هر یک از این دین‌ها در طبیعت، "شخصیت" یا "روح" جداگانه‌ای داشته و "خدا" یا "الاهه" شمرده می‌شده است.

تکامل و دگرگونی دین‌ها

بررسی‌های علمی و پژوهش در مورد هشت دین بزرگ جهانی - یهودیت، هندوگرایی، بوداگرایی، تاوگرایی، کنفوسیوس-گرایی، شینتوگرایی، مسیحیت و اسلام - به روشنی نشان داده‌اند که تمام این دین‌ها بزرگ در آغاز بسیار ساده بوده‌اند و با گذشت زمان راه تکامل پیموده‌اند. هزاران سال پیش از آن که دین بزرگی پدید آید با برداشته شدن آیین‌ها و اصول آن به صورت پراکنده و ابتدایی وجود داشته و با گذشت زمان گسترده‌تری شده‌اند. برای نمونه، "یهودیت" که یکی از باستانی‌ترین و کهن‌ترین نمونه‌هاست، دین‌های زنده، جهان به شمار می‌رود در طول مدت چندین هزار سال تدوین و گردآوری شده و در طی دورانی بسیار طولانی در حال تکامل و شکل‌گرفتن بوده است. قرن‌ها پیش از آن که یکی از بزرگان و تدوین‌کنندگان این دین به نام "ابراهیم" در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از تولد مسیح به گردآوری با برداشته شدن آیین‌ها و اصول این دین به نام "یهوگرایی" نامیده می‌شود به صورت اندیشه‌های ابتدایی وجود داشته است. تمام آیین‌های بزرگ این دین جهانی در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به تدوین اصول بزرگ این دین می‌پردازد و یکی از بنیادگذاران بزرگ آن به شمار می‌رود.

"هندوگرایی" که یکی دیگر از کهن‌ترین دین‌های زنده به شمار می‌رود دینی است بدون پیام‌آور و غیرآسمانی. این دین نیز پس از گذشت هزاران سال راه دگرگونی، تکامل و مدون‌شدن را پیموده تا به شکل کنونی خود درآمده است.

"بوداگرایی" از تجدیدنظر طلسمی در هندوگرایی پدید آمده و بنیادگذار آن "بودا" دگرگونی های بزرگی در آن پدید آورد.

بررسی ها و پژوهش های جامعه شناسان و مردم شناسان به روشنی نشان داده اند که "پدیده دین" به مانند سایر پدیده های اجتماعی- انسانی پیوسته در حال تغییر و دگرگونی بوده است. بزرگترین ویژگی تمام دین ها و مذهب های زنده بزرگ جهان ویژگی "تکامل پذیری" از حالت های خام و ابتدایی به حالت های پیچیده تر و تکامل یافته تر است.

بی خدایی، چندخدایی، تک خدایی

در کهن ترین دین های سرزمین ها و قوم های باستانی جهان نام و نشانی از "خدا" به معنای امروزی آن دیده نمی شود. نخستین انسان های پیش از تاریخ به نیروهای غیبی، "اشیاء اسرارآمیز" و "روح" اعتقاد داشتند و حتی سنگ و کوه را نیز دارای "روح" یا "جان" می دانستند. همان طور که در گفتارهای پیش نیز اشاره شد حتی دین های بزرگی چون بوداگرایی، هندوگرایی و کنفوسیوس گرایی دین های بی خدایی هستند و خود را غیر آسمانی می دانند. باورداشت های مربوط به "چندخدایی" با وجود "خدایان و الاهی ها" با گذشت زمان از تکامل اندیشه های مربوط به وجود "اشباح" و "ارواح" در طبیعت پدید آمد. این "اشباح" و "ارواح" کوناگون بر پدیده های کوناگون طبیعت و بر انسان نظارت و فرمان رویی داشتند و از قدرت ها و توانایی های ویژه ای برخوردار بودند. در باورداشت های مصری- یونان باستان، کلدانیان و یونانیان باستان اعتقاد به وجود خدایان

بسیار یا چندخدایی دیده می‌شود. بخش بسیار بزرگی از داستان های ادبی قوم های باستانی و متمدن ، سرگذشتان "خدایان" و "الاهه‌ها" و داستان زندگی آنهاست که به صورت اسطوره ، حماسه و افسانه به یادگار مانده و به آن "اسطوره شناسی" یا "میتولوژی" می‌گویند.

باورداشت های مربوط به "یکتا پرستی" یا وجودخدای یگانه و بی همتا از تکامل و پیشرفت اندیشه های مربوط به چندخدایی پدید آمد.

بررسی عمیق و شناخت دقیق حکونگی تکامل اندیشه های دینی از بی‌خدایی به چند خدایی و در پایان به باورداشت "تک خدایی" یا یکتا پرستی به آسانی نشان می‌دهد که دین پدیده ای انسانی است و از افکار و اندیشه های درون مغز انسان سرچشمه می‌گیرد.

در درون اندیشه های بی‌خدایی، چند خدایی و شک خدایی نیز هریک به طور جداگانه تکامل و دیگرگونی اندیشه های مربوط به روح با اشباح، حدود تواناییها و ضعف‌سف‌های خدایان و در پایان حالت تکامل در اندیشه مربوط به عظمت "خدای یکتا" به روشنی تمام دیده می‌شود. برای نمونه، خدایان مصریان و یونانیان و یژگی موجودات زورمند را دارند که از انسان نیرومندتراند. با گذشت قرن ها از تکامل این قهرمانان و زورمندان "خدایان" پدید آمدند. در برخی از دین های چندخدایی، برخی از خدایان از سایرین بزرگتر و نیرومندترند. برای نمونه "ژئوس" نیرومندترین و بزرگترین خدا یا "خدای خدایان" شمرده می‌شود و به این ترتیب پایه های اندیشه تکامل یافته تر مربوط به "خدای بزرگ" گذاشته می‌شود. برخی از دین شناسان ، مسیحیت را دینی چند خدایی می‌نامند که بنا بر آن "خدای بزرگ" ، "عیسی مسیح" فرزند خدا و نیروی دیگری به نام "روح القدس" از بزرگترین مقدسات

به‌شمار می‌روند. واژه "نتیلیث" یا سه‌خدایی (تربخیتی) نیز به‌خاطر این سه قدرت بزرگ که حالت‌خدایی دارند به‌کار رفته است. برخی دیگر دین زردشت را دین تک‌خدایی نمی‌دانند، زیرا در آن "اهورا مزدا" یا خدای دانا در برابر "اهریمن" درنبرد است و این دونیروی بزرگ بر جهان فرمان‌روایی می‌کنند. اما در پایان "اهورا" بر "اهریمن" چیره خواهد شد و نیروی یکتا بر جهان فرمان خواهد داد. پیش از پیدایش زرتشت، ایرانیان باستان از کیش و آیین چندخدایی پیروی می‌کردند. پس از گذشت زمان و در نتیجه دگرگونی و تکامل اندیشه‌های چندخدایی، خدایان بشردوست در وجود "اهورا" و خدایان ضدانسان در قالب "اهریمن" خلاصه شدند. در دین اسلام "خدای واحد" با فرمان‌روای عالم هستی در واژه "الله" خلاصه می‌شود. در هندوگرایی "برهمن" همان "روح بزرگ جهان هستی" است. گرچه این "روح بزرگ" مفات و ویژگی‌های خدایی و نیایشی ندارد اما بزرگترین حقیقت‌سراسر عالم است. در دین بودا "نیروانا" همان "روح ناب" یا "روان مطلق" است و هدف از زندگی پیوستن با آن و یکی‌شدن با آن به‌شمار می‌رود. در یهودیت نیز "یهووا" نماد مظهر دانایی، حکمت، قدرت و بزرگی است که بر جهان فرمان می‌راند.

از جادوگر قبیله تا "پاپ"

بررسی‌ها و پژوهش‌های دین‌شناسان و مردم‌شناسان در بیمن قبیله‌های ساکن شمال اسکاتلند و یونان، سیبری، فرییزها و... ویژه اسکیموها نشان داده است که در این قبیله‌های دور افتاده که زندگی انسان‌های پیش از تاریخ را زنده می‌کنند آدم‌هایی وجود دارند که آنها را به نام "شمن" می‌نامند. شمن‌ریسی

قبیله نیست بلکه افراد قبیلہ به خاطر نیروها و توانایی‌های عجیبی که به وی نسبت داده می‌شود به او احترام می‌گذارند و از وی حرف شنوی دارند. "شمن" کسی است که می‌گوید با عالم غیب رابطه دارد، می‌تواند با ارواح مردگان رابطه برقرار کند، از بسیاری از اسرار ناشناخته آگاه است، می‌تواند جن‌ها و دیوها را فراری دهد و آنها را از بدن کسی که بیمار شده و ادا ربه فرار کند.

"شمن‌ها" به حرکات عجیبی دست می‌زنند، به عالم خلسه‌ویی-خبری سفر می‌کنند، وردهای بسیار می‌دانند و می‌توانند در عدوی برق و توفان را آرام کنند، موجب پیروزی در شکار شوند و با خواندن وردها یا انجام دادن مراسمی موجبات شکست دشمن قبیلہ را فراهم آورند. شمن‌ها بعضی مکان‌ها را مقدس و برخی را ترسناک و ممنوع اعلام می‌کنند، برخی جانوران محترم و مقدس و گروهی دیگر نجس و حرام هستند. در واقع می‌توان گفت شمن‌ها نخستین "روحانیان" دوران‌های پیش از تاریخ انسان به‌شمار می‌روند. کسانی که بعدها در درون قوم و قبیلہ خود به نام "ساحران" یا "جادوگساران" مشهور شدند و نیروهای فوق انسانی با آنان نسبت داده شد از تکامل همین شمن‌ها پدید آمدند. با گذشت زمان از دگرگونی و تکامل ساحران، جادوگران، ظلم‌بندان و حکیمان قوم و قبیلہ نخستین "روحانیان" پدید آمده‌اند و با این ترتیب "طبقه روحانی" در بسیاری از سرزمین‌های متمدن دوران‌های پیش از تاریخ در هر جا معمای پدید آمدن هزاران سال پیش از آن کسه دین‌های بزرگ و زنده، امروزی به صورت مدون و کنونی خود درآیند اندیشه‌های دینی در قوم‌ها و قبیلہ‌های گوناگون در حال شکل گرفتن و تکامل بود و در هر سرزمین ویژه از کردآوری این اندیشه‌ها، باورداشت‌ها، رسم‌ها و آیین‌های باستانی، دین‌های

کنونی پدید آمدند. نگهبانان ، بخش‌کنندگان و بزرگان این
با وراثت‌ها همان روحانیانی بودند که سرچشمهٔ پیدایش
"کاهنان" ، "خاخام‌ها" ، "موبدان" ، "برهمنان" ، "کشیشان" ،
"ملایان" و مانند آنها شدند. این "روحانیان" در بیشتر
سرزمین‌های جهان و تمدن‌های گوناگون جودر دوران‌های پیش
از تاریخ و چه پس از آن یکی از نیرومندترین طبقه‌های جامعه‌ی
خود به‌شمار می‌رفتند این روحانیان گاهی فرمان‌روایان زمان
خود و زمانی دیگر بزرگترین متحد فرمان‌روایان و حاکمان
بودند. برای نمونه ، مصریان باستان ، فرمان‌روای بزرگ
یا "فرعون" را "سرخدا" می‌دانستند و برای فرعون‌ها نیروهای
خدایی در نظر می‌گرفتند. فرعون ، "روحانی بزرگ" و رابط انسان
با خدایان به‌شمار می‌رفت. در ژاپن ، امپراتور را نوعی خدا
می‌دانستند و تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم ، امپراتور ژاپن
مقام خدایی داشت. در بسیاری از سرزمین‌های جهان مقام‌های
دینی از چنان قدرتی برخوردار بودند که فرمان‌روایان را
"فرستادهٔ خدایان" یا "نیمه‌خدا" اعلام می‌کردند. روحانیان
جامعه فرمان‌روایان را آن چنان "مقدس" جلوه می‌دادند که
سربچی از دستوره‌های او در اندیشهٔ کسی نمی‌گنجید.

کشورهایی چون چین و هندو برخی از سرزمین‌های خاورمیانه
را می‌توان منطقه‌های "دین خیز" جهان نامید.

خاستگاه دین‌های بزرگی چون هندوگرایی و بوداگرایی کشور
هندوژادگاه‌های کنفوسیوسی‌گرایی و تائوگرایی چین بوده است.
سه دین بزرگ یهودیت ، مسیحیت و اسلام چون از خاورمیانه
برخاسته‌اند به نام "دین‌های خاورمیانه‌ای" نیز نامیده می‌شود.
همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد پیدایش هیچ‌یک از این دین‌های
بزرگ و جهان‌گیر ، ناگهانی و بدون مقدمه نبوده و این دین‌ها

هزاران سال در حال شکل گرفتن و پیمودن راه تکامل بوده‌اند. برخی از این دین‌ها از تجدیدنظر در دین‌های قدیم‌تر بوجود آمده‌اند.

دین‌های هندی و چینی

دین بیشتر مردم هندیا هندوگرایی یکی از کهن‌ترین و باستانی‌ترین دین‌های زنده جهان به‌شمار می‌رود. این دین بنیادگزار ندارد و کسی خود را بعنوان پیام‌آور آن اعلام نکرده است. اندیشه‌ها و باورداشتهایی که بعدها از گردآوری و تدوین آن‌ها هندوگرایی پدید آمد هزاران سال میان مردم هندباستان وجود داشته و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شده است. دین‌شناسان، آغاز تدوین یا پیدایش اصول این دین را حدود ۱۹۰۰ سال پیش از تولد حضرت مسیح میدانند. یکی از باستانی‌ترین کتاب‌های دینی که در آن اندیشه‌های هندوگرایی گردآوری شده "وداها" نام دارد که کتاب مقدس هندو با آن به‌شمار می‌رود. گردآوری و تدوین این کتاب بیش از ۱۰۰۰ سال به‌طول انجامیده است. برخی از دین‌شناسان، هندوگرایی را دین "طبیعت‌پرستی" نیز نامیده‌اند. زیرا در این دین برای نیروهای طبیعی خدایانی وجود دارند که پرستیدنی به‌شمار می‌روند. در این دین "روح جهان هستی" به نام "برهمن" یا "برهما" نامیده می‌شود. از نظر پیروان هندوگرایی برهمن برای فکربشر ناشناختنی و درک آن امکان‌ناپذیر است. برهمن دست‌نیافتنی است و برنوشت انسان علاقه‌ای ندارد و درکار او دخالتی نمی‌کند. در هندوگرایی وجود روح یکی از باورداشتهای اساسی است و پیروان این دین "جاودانگی روح" را باور دارند. جهان هستی و از جمله انسان

پس از مرگ روحش باقی می ماند و به صورتی دیگر ادامه زندگی می دهد. این پدیده یا چنین اندیشه ای اصل "حلول ارواح" نامیده می شود. اگر انسان در زندگی نیکوکار باشد زندگی دوباره او به ثروت و پرآرامش تر خواهد بود. پس از چندین حلول خوب در نتیجه نیکوکاری در زندگی های بعدی، انسان به "آرامش مطلق" دست خواهد یافت. هدف از زندگی دست یابی به "نیروانا" یا "کمال" و آسایش ناب است.

هندوگرایی در نتیجه گذشت زمان و در سرزمین پهناور هند دچار دگرگونی ها و تغییرهای بسیار زیاد شد و اندیشه های خرافی و بی اساس پدید آمدند. پذیرد آن راه یافت. بنا بر باورداشت های هندوگرایی، "برهمنان" یا "روحانیان جامع" بالاترین و شایسته ترین مردمان شناخته می شوند. پس از آنان شاهزادگان، فرماندهان و جنگجویان قرار داشتند. مقام بازرگانان و پیشه وران از مردم عادی بالاتر و مردمان فقیر، نادان و "نجس" نامیده می شوند. هندوگرایی دینی به شدت "طبقه ای" است و روحانیان، نجیگان یا برگزیدگان جامعه به شمار می روند.

بوداگرایی یا دین بودا از تجدیدنظر در هندوگرایی پدید آمد و به این ترتیب شاخه ای از آن دین باستانی به شمار می آید. زادگاه بوداگرایی سرزمین هند است زیرا بودا شاهزاده ای هندی بود که حدود ۵۵۰ سال پیش از میلاد مسیح در آن کشور زندگی می کرد. واژه "بودا" به معنای دانا، خردمند، حکیم، آگاه یا روشن روان است و برای این مفاهیم ارزش بسیار در نظر گرفته می شود. بودا که شاهزاده بود به زندگی اشرافی و این جهانی پشت پا زد و برضد بسیاری از اصول هندوگرایی پرچم شورش برافراشت. وی به شدت مخالف طبقه بندی مردم جامعه و برضد

پرستش خدا یا ن طبیعی بود ، بودا با قدرت بی‌چون و چرای طبقه روحانی به مخالفت پرداخت و آنان را دارای نیروهای فوق بشری نمی‌دانست ، وی هدف از دین را "رستگاری" یا رسیدن به آرامش مطلق و "کمال" یا "نیروانا" می‌دانست ، بودا اصل بزرگ زندگی را دست‌یابی به آرامش درونی می‌دانست ، در هیچ دین دیگری به اندازه بوداگرایی در مورد رسیدن به آرامش ، مهربانی و میان‌روی تأکید نشده است ، هدف بزرگ از دین ، رهایی از درد و رنج ، بی‌توجهی به نیازهای بدنی و هوس‌ها اعلام شده است ، با بدخوبی‌ها و بدی‌ها با آرامش پذیرفت و به نیکوکاری پرداخت ، از دید روان‌شناسی آموزش‌های بودا بر اساس "درون‌نگری" استوار شده است ، برخی از دین‌شناسان ، بوداگرایی را فلسفه‌ترین ، اخلاقی‌ترین و آزاده‌ترین دین جهان شناخته‌اند ،

بودا که نام واقعی او "شاهزاده گوتا ما" بود پس از ترک پایگاه اجتماعی خود ۶ سال سرگردان بود و مدت ۴۵ سال به آموزش فلسفه و باورداشت‌های خود پرداخت ، اندیشه‌های وی با گذشت زمان در کشور هند گسترش یافت و سه قرن پس از مرگش به دین رسمی هند تبدیل شد ، دین بودا نیز پس از مرگ او و با گذشت زمان دستخوش دگرگونی‌ها و دستکاری فزون از اندازه شد و اندیشه‌های خرافی و گمراه‌کننده بسیار بآن راه یافت ، بسیاری از وی "خدا" ساختند ، پرستش‌گاه‌های بسیار بنا کردند ، مجسمه‌های غول‌پیکر از او پدید آوردند و به پرستش خدای سنگی پرداختند ، بنیادگذار کنفوسیوس‌گرایی اندیشمندی چینی بود بنام "کنفوسیوس" که در قرن ششم پیش از میلاد مسیح می‌زیست ، پیش از این اندیشمندی ، دین بودا و هم‌چنین دین دیگری بنام "تائوگرایی" در چین رایج بود ، بنیادگذار "تائوگرایی" فیلسوفی چینی بود به نام "لائوسه" که هدف از زندگی را شاد زیستن و جاودانی شدن

میدانست، در تائوگرایبی، روح جاودانی و فنا نا پذیر دانسته می‌شود و نوعی کیش و آیین چندخدایی است. کتاب مقدس این‌دین یکی از کوتاه‌ترین کتاب‌های دینی به‌شمار می‌رود که هشتاد و یک شعر کوتاه و بلند را در بر می‌گیرد. این شعرها یا گفته‌ها بیشتر جنبه‌های عرفانی و پرورشی و راز دار دوگانه‌ی نیز آموزش‌های آنها مخالف یکدیگرند. به‌همین دلیل در تعبیر و تفسیر این گفته‌های دینی و اخلاقی نظرهای بسیار گوناگون و پراکنده پدید آمده و خرافات بسیار در آن راه یافت. برخی از شاخه‌های تائوگرایبی کناره‌گیری از زندگی در این جهان را توصیه می‌کنند و غیب‌گویی و جادوگری در آن‌ها رواج بسیار دارد. پس از پیدایش انقلاب کمونیستی این دین در چین برجسته شد.

کنفوسیوس مخالف آموزش‌های تائوگرایبی و دین بودا بود و بر علیه آن‌ها به مبارزه پرداخت. کنفوسیوس ادعای پیام‌آوری نداشت، به‌خدای یکتایی اعتقاد نبود، روح را جاودانی نمی‌دانست و به زندگی در جهان دیگری اعتقاد نبود. پایه‌دین و اصول آموزش‌های او را اخلاق و رفتار انسان تشکیل میداد، وی می‌گفت به پدران و نیاکان باید احترام گذاشت و از هر جهت باید مطیع فرمسان. روایان و حاکمان بود، کنفوسیوس استادی پر قدرت و معلمی بی‌نظیر بود. وی بیش از ۲۰۰۰ شاگرد داشت. وی حاکمان و فرمانروایان را پدران و بزرگان جامعه می‌دانست و از مردم می‌خواست از هر جهت از آنان پیروی کنند. وی می‌گفت "بگذار حاکمان حکومت کنند و رعایا اطاعت." این پند با آموزش سبب شد تا بشدت مورد توجه فرمانروایان قرار گیرد و به‌گسترش آموزش‌های او به پوزند. به‌همین دلیل مدتی بیش از ۲۰۰۰ سال دین کنفوسیوس دین رسمی چین بود. آموزش‌های این فیلسوف و معلم بخشی از آموزش‌های رسمی دستگاه آموزش و پرورش چین بود. بعد از

انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۴۹ در چین ، کنفوسیوس گرای بی در آن کشور برچیده شد و آموزش های وی سد راه پیشرفت جامعه اعلام شد .

دین ملی ژاپن

"شین توگرای" دین ملی ژاپن یا آیین بومی این سرزمین به شمار می رود . زیرا زادگاه این دین کشور ژاپن است . بنا بر اصول این دین ، سرزمین و مردم ژاپن را خدایان آفریده اند . بزرگترین و نیرومندترین خدا "الاهه خورشید" است و امپراتور فرزندان الاهه است . در ۶۶۰ پیش از میلاد مسیح ، نخستین امپراتور ژاپن نوه "الاهه خورشید" اعلام شد . امپراتوری که از خدایان به شمار می رود و به همین دلیل پرستیدنی و مقدس است .

شین توگرای در واقع نوعی "طبیعت پرستی" است . روح جانوران ، درختان ، گیاهان و روح تمام پدیده های دیگر طبیعی مقدس و پرستیدنی است . در این دین از دنیا ی دیگر ، جاودانگی روح و اندیشه های مربوط به رستگاری و رضایی سخن چندان به میان نیامده است . این دین به شدت مورد توجه فرمان روایان و حاکمان واقع شد و به دین ملی و بومی کشور تبدیل گردید .

در طی هزاران سالی که شین توگرای در ژاپن وجود داشت به مدت مورد توجه و پشتیبانی فرمان روایان وقت که امپراتور ژاپن بودند قرار گرفت . زیرا بنا بر آموزش های دینی ، امپراتور مقام خدایی و آسمانی داشت و فرمان هایش می باید بی چون چرا اجرا شوند . بعد از شکست دولت ژاپن در جنگ جهانی دوم ، شین توگرای به میزان زیاد برچیده شد و امپراتور از مقام خدایی به مقام تشریفاتی تبدیل شد .

دین های "تک خدایی"، جهانگیروزنده، امروز - یهودیت مسیحیت و اسلام - پس از گذشت قرن ها از دگرگونی و تکامل اندیشه های بی خدایی و چندخدایی پدید آمده اند. بررسی سیر حرکت یا جریان تکامل با و رداشت های دینی و مذهبی از آغاز تا امروز - به روشنی تمام، پیوستگی تمام دین های بسزرگ کنونی و هم ریشگی آن ها را نمایان می سازد. بررسی سرگذشت دین ها و مذهب های جهانی یا مطالعه تاریخی دین ثابت می کند که پدیده ای که آن را "دین" می نامیم به مانند پدیده های بی چون "زبان"، "هنر"، "ادبیات" و مانند آن ها پدیده ای انسانی - اجتماعی است که قانون بزرگ تکامل و دگرگونی بر آن فرمان روایی می کند. بسیاری از مردم شناسان، جامعه شناسان، دین شناسان و روان شناسان که بی توجه به گرایش های دینی و فقط با تکیه بر روش های علمی - تاریخی به بررسی و پژوهش در باره چگونگی پیدایش و تکامل دین ها و مذهب های روی کره زمین پرداخته اند به این نتیجه رسیده اند که: دین خاستگاه آن جهانی و پر رمز و راز ندارد، سرچشمه پیدایش با و رداشت های دینی و مذهبی، فکرو اندیشه انسان است و در مجموع پدیده "دین" فرآورده یا ارمانان جامعه ها، قوم ها و تمدن های گوناگون بوده است.

دین های "تک خدایی"

تمام دین های تک خدایی از کشورهای خاور میانه برخاسته اند و سپس در سراسر جهان گسترش یافته اند. یهودیت - مسیحیت - "یهوواگرایی" کهن ترین و باستانی ترین دین تک خدایی جهان به شمار می رود. در سرزمین هایی که اندیشه های "یهوواگرایی"

جوانه‌زد پیش از اعتقاد به وجود خدای یگانه، اندیشه‌های بی‌خدایی و چندخدایی رواج داشت و پیدایش باورداشت‌های مربوط به وجود "خدای بی‌همتا" ناگهانی و بدون مقدمه نبود. از حضرت ابراهیم به نام بنیادگذار یان نخستین گردآورنده یهودیت یاد می‌شود. دوران زندگی او را بین ۱۹۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نوشته‌اند. ابراهیم قوم‌های پراکنده بنی‌اسرائیل را با یکدیگر متحد ساخت و مقدمهٔ پیدایش دین یک پارچه‌ای را فراهم آورد. نوهٔ ابراهیم، یعقوب نام داشت و از او ۱۲ پسر پدید آمد و به این ترتیب در قوم بنی‌اسرائیل ۱۲ قبیله پدید آمد. برخی از این قبایله بعدها ساکن مصر باستان شدند و آنان را به بردگی واداشتند. حدود ۱۳۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از تولد حضرت مسیح، یکی از بزرگان این قوم - حضرت موسی - قوم خود را از مصر به کنعان یا فلسطین کوچ داد. این رهبر قوم و قبایله تدوین‌کنندهٔ یکی از نخستین کتاب‌های دینی یا "تورات" است که از آن با نام "قانون‌های موسی" نیز یاد می‌شود. بسیاری از دین‌شناسان، یهودیت را نخستین دین تک‌خدایی جهان می‌دانند. "ده فرمان موسی" که مشهورترین فرمان تاریخ به شمار می‌رود در این دین جنبهٔ الهامی و آسمانی دارد که از سوی "قادر متعال" به فرستاده‌ها و یا حضرت موسی "وحی" شده است. یهودیت نیز به مانند تمام پدیده‌های دیگر اجتماعی، پس از گذشت قرن‌ها، میرتکامل خود را پیموده و دگرگونی‌های بسیار در آن پدید آمده است. برخی از مردم شناسان، یهودیت را دین قومی یا دین قبایله‌ای می‌نامند که در آن به جنبه‌های جهانی و چند ملیتی توجهی نشده است.

مسیحیت که یکی از جهان‌گیرترین دین‌های زندهٔ امروز

به شمار می رود از تجدیدنظر در یهودیت و از دگرگونی آن پدید آمد. در واقع برخی از باورداشتهای "یهوواگرایی" خودسب پیدایش کیش و آیین تازه تری شد که به نام بنیادگزار آن حضرت "عیسی مسیح" به نام مسیحیت نامیده شد. در یهودیت عقیده بر این بود که زمانی نجات دهنده، بزرگی ظهور خواهد کرد که "مسیحای زمان" خواهد بود. با پیدایش او، جهان سرشار از دادگستری و آرامش خواهد شد. پس از ظهور عیسی مسیح، بسیاری از یهودیان بر اساس باورداشتهای دین خود او را بعنوان "ناچی" و "مسیحا" شناختند و برگردش حلقه زدند، بزرگترین ویژگی آموزشهای مسیحیت، تاکید بسیار بر مهربانی، بردباری و برادری انسانهاست. بنا بر این مسیحیت دینی از هر جهت مستقل، جدا و خود ساخته نیست بلکه از تجدیدنظر در یهودیت پدید آمد و بسیاری از نخستین مسیحیان خود را یهودیان اصلاح طلب و پیشرو می دانستند و چنین می پنداشتند که حضرت مسیح همان "مسیحای موعود" پیام آوران و بزرگان "یهوواگرایی" است. مسیحیت نیز در طول بیست قرن که از پیدایش آن گذشته بنا بر قانون تکامل و دگرگونی تغییرهای بسیار بزرگی در آن پدید آمده و به مانند هر پدیده دیگری اجتماعی - انسانی از هر جهت تابع نیروهای تاریخی و زیر تاثیر عاملهای زمان - مکان بوده است.

دین زردشت یا زرتشتگرایی یکی از دینهای تک خدایی جهان به شمار می رود. همان طور که یهودیت را میتوان "دین قوم بنی اسرائیل" نامید، کیش و آیین زردشت نیز "دین ملی و باستانی ایرانیان" به شمار می رود. برخی از تاریخ شناسان دوران زندگی زردشت را قرن هفتم پیش از میلاد مسیح میدانند و برخی دیگر از تاریخ دانان دوران زندگی او را تا ۲۰۰۰ سال

پیش از مسیح در نظر گرفته اند. کیش و آیین زردشت از ایران بر-
خاست و در باورداشتهای بهودیت، مسیحیت و اسلام آثار بسیار
ژرف و گسترده پدید آورده.

بنا بر اندیشه های این دین، "اهورا مزدا" یا "دانش آسمانی"
بر جهان فرمان رواپی می کند و سیاه نیکوکاران به فرمان دهی او
بالشکر "اهریمن" در نبرد است. مظهرها یا نمادهای "اهورا" به
صورت آتش، آب و خاک نمایان میشوند و آتش، مقدس ترین
پدیده طبیعی به شمار می رود. مخالفان دین زردشت این دین را
کیش یا آیین "آتش پرستی" نامیده اند.

بنا بر آموزش های دین زردشت، پیام آور این دین یا زردشت
در سی سالگی نخستین الهام یا "وحی" را از سوی اهورا مزدا
دریافت کرد و در مجموع هفت بار با خدای یگانه رخ به رخ گفتگو
کرد. آموزش های بزرگ این دین در پندهای گفتار نیک، پندار
نیک و کردار نیک خلاصه می شود. وظیفه انسان در زندگی پیوستن به
سیاه اهورا و نبرد در برابر اهریمن است. زردشت بر علیه آموزش
های روحانیان زمان خود شورید و با اندیشه های بی خدایی و چند
خدایی آنان به مبارزه پرداخت. بنا بر گفته های زردشت،
رستگاری انسان به دست خود و صورت خواهد گرفت نه به دست
روحانیان. مهربانی، راستی و درستی و پرهیزگاری پایه و اساس
رستگاری و جاودانگی را فراهم خواهد ساخت. با گذشت زمان
دیگرگونی ها و انحراف های بسیار در اصول دین زردشت پدید آمد و
روحانیان آن از تعلیمات آن به شدت دور شدند. دین زردشت
دینی زنده و جهانگیر به شمار نمی رود اما از نظر تاریخی یکی از
باستانی ترین دین های تک خدایی به شمار می رود که بر روی سایر
دین های بزرگ و جهانی آثار بسیار ژرف به جا گذاشته است.

اسلام تازه ترین و جوان ترین دین تک خدایی جهان شمرده می شود که بیش از ۶۰۰ سال پس از مسیحیت بنیادگذاری شد. اسلام دینی ترکیبی است که با یهودیت و مسیحیت خویشاوندی بسیار نزدیک دارد و با زردشت گرایی همانندی های بسیار دارد. دین اسلام، پیام آوران و بزرگان یهودیت و مسیحیت را می پذیرد، این دین ها را آسمانی و الهی می شناسد و کیش و آیین خود را بهترین درست ترین و آخرین دین آسمانی اعلام می کند. بسیاری از اصول اساسی این دین در سه دین تک خدایی دیگر - زردشت گرایی، یهودیت و مسیحیت - نیز دیده می شود و همین نکته بزرگ چگونگی پیدایش اسلام و مسیر تکاملی آن را به روشنی نشان می دهد.

آینده دین

در بیشتر دوران های تاریخ و در بیشتر تمدن ها، کشورها و جامعه های جهان، پدیده دین و مذهب یکی از زورمندترین نیروهای جامعه بوده است. برای نمونه، تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم، امپراتور ژاپن مقام خدایی داشت و باورداشت های دینی تنها نیروی بزرگ کشور بود. تا چند قرن پیش "روحانیان" با نگره بان دین بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه خود مسلط بودند و بزرگترین قدرت جامعه به شمار می رفتند. برای نمونه، در کشورهای اروپایی رهبران مسیحیت از بسیاری جهت ها جامعه و مردم را "اداره" می کردند. اما از زمانی که علم و دانش گسترش یافت و آموزش و پرورش اجباری آغاز شد رفته رفته از قدرت دین و مذهب و چیرگی روحانیان بر تمام امور جامعه کاسته شد. گسترش علم بزرگترین ضربه را بر قدرت بی چون و چرای دین وارد ساخت. کشف کروی بودن زمین و گردش آن بدور خورشید از سوی

"گاليله" در قرن هفدهم ميلادی ضربه‌ای بر مسيحيت وارد کرد که هنوز هم دين و مذهب از شدت اين ضربه کمتر است نگرده است . در قرن نوزدهم کشف‌های علمی کاخ با عظمت دين را به بنای نيمه ويران بدل ساخت و برای نمونه اندیشه‌های "داروين" سبب بی اعتباری باورداشت‌های دينی شد .

در بسياری از کشورهای سرمايه‌داری جهان دست مقام‌های دينی از دخالت در سياست کوتاه شد و اصل "جدایی دولت و دين" پديد آمد .

در نخستين دهه‌های قرن حاضر با پديد آين کشورهاى سويسا ليستی ، ضربه‌های کوبنده‌ای بر بنای دين و مذهب در اين جا معه‌ها وارد شد و روحانيان از کانون قدرت به بيرون راننده شدند .

تمام آثار و نشانه‌ها به روشنی تمام ثابت می‌کنند که در نتيجه گسترش علم و دانش در بسياری از کشورهای جهان ، اجرای آموزش و پرورش اجباری و مبارزه‌های روشن فکران با بدآموزی‌ها و سوء استفاده‌های روحانيان و به ویژه در نتيجه گسترش حکومت‌های مردمی ، پديده دين و مذهب به اخلاق تبديل خواهد شد و به فلسفه خواهد پیوست ، طبقه روحانی از جامعه رخت بر خواهد بست و برداشت‌های علمی و اندیشه‌های فلسفی جایگزین باور - داشت‌های دينی خواهد شد .

رابطه علم و دین

روحانیان و هواداران آنها - به ویژه در دین های خاورمیانه ای یا تک خدایی - می کوشند تا چنین وانمود کنند که دین و علم مکمل یکدیگرند و با یکدیگر برخوردی ندارند. اما به هیچ روی چنین نیست. اصول و اندیشه های دینی با قوانین و اصول علمی به شدت اختلاف دارند و یکدیگر را نفی می کنند. این اختلاف و برخورد از آنجا سرچشمه می گیرد که به طور کلی رسالت علم با رسالت دین و مذهب متفاوت است. علم می کوشد تا "پدیده های طبیعی" را بشناسد و چون و چرایی این پدیده ها را در طبیعت بیان کند. رسالت واقعی دین و مذهب تعیین معیارها یا ملاک های زندگی در زمینه رفتار انسان ها با یکدیگر است. اما دین های خاورمیانه ای - یهودیت، مسیحیت و اسلام - پا را از کلیم خود فراتر نهاده و به اظهار نظر در مورد پدیده های طبیعی و چون و چرایی این پدیده ها نیز پرداخته اند. این دین ها در مورد پیدایش جهان هستی، چگونگی پیدایش انسان، آغاز پیدایش حیات در روی کره زمین، زندگی پس از مرگ و هزاران پدیده طبیعی دیگر به اظهار نظر پرداخته اند. بررسی دقیق و مطالعه موکافانه این اظهار نظرهای دینی و مذهبی در مورد پدیده های طبیعی - که در قلمرو علم و دانشند - یک بار دیگر به روشنی بسیار ثابت می کند که پدیده دین و مذهب ساخته و پرداخته فکر بشر و غیر آسمانی است. بسیاری از اظهار نظرهای دین های یهودیت، مسیحیت و اسلام درباره چگونگی پیدایش جهان هستی و انسان و سایر پدیده های طبیعی در نتیجه پیشرفت علم و دانش مردود شناخته شده

واستنباه بودن این اظهار نظرها به طور کامل ثابت شده است ، نویسندگان کتاب های تک خدایی - تورات ، انجیل ، قرآن - از علم و دانش دوران زندگی خود استفاده کرده و در اظهار نظرهای خود تابع میزان پیشرفت علم و دانش دوران خود بوده - اند . برای نمونه در دوران نوشتن این کتاب ها دانشمندان ، فیلسوفان و اندیشمندان گمان می بردند " زمین " مسطح است . در آن دوران ها هنوز کروی بودن زمین کشف نشده بود و کسی نمی دانست زمین ، سیاره ای است که در آسمان برگرد خورشید می گردد . کسی نمی دانست که سیاره " زمین مرکز جهان هستی نیست و کسی نمی دانست که از عمر کره " زمین و دستگاه خورشیدی صدها میلیون سال گذشته است . نظرهای علمی که در تورات ، انجیل و قرآن بیان شده اند و تمام نظریه های کهنه پیام آوران این سه دین " آسمانی " - موسی ، عیسی و محمد - نسبت داده شده اند بازتاب علم و دانش و آگاهی های علمی دوران آنها بوده است .

با پیشرفت علم و دانش و کشف های بزرگی که در چند قرن گذشته در مورد " پدیده های طبیعی " - پیدایش جهان ، پیدایش و تکامل جانداران و به ویژه انسان - به انجام رسیده اند اظهار نظرهای دینی و مذهبی در این موارد یکی پس از دیگری مردود شناخته شده و به دور افکنده شده اند . به این ترتیب دلیلی نفرت شدید روحانیان از دانشمندان و روشنفکران به سادگی روشن می شود . بی سبب نیست که در قرون وسطی ، مقام های دین مسیحیت به مبارزه " خونین و بی امانی با دانشمندان و روشنفکران پرداختند و حتی برخی از دانشمندان را زنده در آتش سوزانیدند .

در دنیای امروز نظریه "کتاب های آسمانی" در مورد
چگونگی پیدایش انسان بر روی کره زمین که به صورت داستان
کودکانه "آدم و حوا" در این کتاب ها باز گوشه در دنیای
علم و دانش با پوزخند روبرو می شود. در بسیاری از کشورهای
جهان - به ویژه در جامعه های سوسیالیستی و بسیاری از کشورهای
های صنعتی - به جای نظریه "آفرینش" که دینی و مذهبی
است نظریه "تکامل" که علمی است در مدرسه ها و دانشگاه ها
تدریس می شود.

میزان علم و دانش و آگاهی مردم هر جا که با میزان مذهبی
بودن همان مردم نسبت معکوس دارد. هر اندازه مردم بیسک
کشور یا سوادتر، آگاه تر و تحصیل کرده تر باشند احساسات
مذهبی در آنان کمتر و علاقه آنان به باورداشت های دین
پایین تر است. برعکس، هر اندازه مردم یک جا که کم سوادتر
و نا آگاه تر باشند اعتقاد آنان به آموزش های دینی بیشتر و
"ایمان" آنان به دین و مذهب محکم تر است.